



رابطه‌هایی که باید تمام می‌شد

دوست‌اجتماعی یا گول‌زنک عاطفی!؟

وقتی رابطه‌ای که قصد آن ازدواج بوده ولی بنا به دلایلی تمام می‌شود یعنی یک جای کارش می‌لنگیده و ایرادی در کارش بوده است. حتماً طرفین دلیلی برای مناسب نبودن در قالب همسر داشته‌اند. وقتی رابطه‌ای تمام شد، دلیلی ندارد خود را گول بزنیید و با یک عنوان جدید نوع رابطه را عوض کنید و به آن شکل و فرم جدید ببخشید. در روایت زیر قصه چنین رابطه‌هایی است.

تکلیف رابطه‌مان باید روشن می‌شد

قرار بود با هم ازدواج کنیم ولی نشد. چند ماه رابطه ما ادامه داشت تا یکدیگر را بشناسیم، با خلق و خوی هم آشنا شویم و سپس اگر مورد مناسبی برای یکدیگر بودیم به مقوله ازدواج فکر کنیم. هر روز با هم قرار می‌گذاشتیم. هنگام غذا

به هم پیام می‌دادیم و خیلی وقت‌ها روز تعطیل را با هم کافه می‌رفتیم. خیالمان هم از رابطه راحت بود. هم خانواده‌هایمان خیر داشتند و هم ما راه را کج نمی‌رفتیم. دیر یا زود محرم می‌شدیم و تمام آن با هم بودن‌ها تبدیل به بخشی از خاطرات مشترکمان می‌شد. هر روز بیشتر به او عادت می‌کردم. دختر خوب و معصومی بود. هر بار برایشم از رؤیاهایش می‌گفت و صدای بچه‌هایی که قرار بود در حیاط خانه بپیچد. از آپارتمان خوشش نمی‌آمد و قرار گذاشته بودیم یک خانه حیاط دار

نقلی بخیریم و خودمان بازسازی کنیم. کلی ایده برای زندگی داشتیم. هر روز به رسیدن نزدیک‌تر می‌شدیم و علاقه‌های مشترک‌مان بیشتر رخ می‌نمود ولی یک‌روز همه چیز به هم ریخت. برای اولین بار خانواده من به عروسی دخترخاله‌اش دعوت شدند. برای ما شانس بزرگی بود که یکجا با آداب و رسوم و فرهنگ خانوادگی آنها آشنا شویم و والدین‌مان بیشتر به هم نزدیک شوند ولی این مهمانی تکلیف رابطه‌مان را یکسره کرد. روح عریان و

مرصیه بامیری

وجود واقعی‌اش را دیدم. وقتی او را در میانه میدان در حال خوش و یش با پسر خاله‌ها دیدم دلم لرزید. شبیه مان‌بود. برای مادر و خواهر من که مقید و چادری بودند عین شوک بود. او را بی‌حجاب می‌دیدند و بی‌بروا. فاصله فرهنگ آنها با ما از زمین تا آسمان بود. شاید بپرسید خوب چرا در این مدت نفهمیدید که با هم فرقی دارید؟ تا آن موقع دوست من موجه بیرون می‌آمد و همیشه پوشش رسمی و کاملاً طبق عرف داشت. نهایت رابطه‌ای که از او دیده بودم پسرهای همدانشگاهی بود که با آنها نیز مؤدب و محجوب بود ولی در مهمانی خود واقعی‌اش را دیدم. شاید اگر حرف می‌زدیم این تناقض حل می‌شد ولی خدا می‌داند از فرادی زندگی‌مان قرار بود سر چه مسائلی باید جنگ و جدل راه می‌انداختیم.

کم‌کم سرد شدم. کمتر قرار گذاشتیم و برای نندیدن مدام بهانه آوردم. خودش فهمید چیزی میانمان درست نیست. برایش سخت بود ولی یک روز غرور را کنار گذاشت و از من علت سردی‌ام را پرسید. من هم بی‌رودریابستی با لحنی که ناراحت نشود، گفتم من در این مدت که باهم بودیم شخصیت تو را از زبانی کردم و به نظرم ما زوج خوبی برای هم نیستیم. شکستنش را دیدم و صدای بغض‌های مانده پشت حنجره‌اش را آهسته شنیدم ولی واقعاً کاری از دستم بر نمی‌آمد. باید کاملاً علاقه‌ان این رابطه را تمام می‌کردم. طاقت ناراحتی و اشک‌هایش را نداشتم. نمی‌شد مثل غریبه‌ها او را رها کنم و با یک خداحافظی برای همیشه گم و گور شوم. تحمل

رابطه‌ای که با انگیزه ازدواج شروع شده، تمام می‌شود یعنی یک جای کارش می‌لنگد. حتماً طرفین دلیلی برای مناسب نبودن در قالب همسر داشته‌اند. پس دلیلی ندارد وقتی ر رابطه‌ای تمام شد، با یک عنوان جدید نوع رابطه را عوض کنید و به آن شکل و فرم جدید ببخشید

اشک‌هایش را ندانستم. لیخن‌دی زدم. دستمالی دستش دادم و گفتم درسته ما آخرش به هم نمی‌رسیم و ازدواج نمی‌کنیم ولی قرار نیست برای همیشه همدیگر را فراموش کنیم. ما همیشه برای هم دوست خوب باقی می‌مانیم. تو هر وقت هر جا به کمک نیاز داشتی می‌توانی روی کمک من حساب کنی. بعد هم با کمی شوخی و خنده که از مرگ بدتر بود سعی کردم از تلخی فضا بکاهم و او را کمی آرام کنم. از فرادی آن روز ما مدل دوست داشتنمان عوض شد. گاهی همدیگر را می‌دیدیم و او گاهی مثلاً خواهرانه احوال‌ام را می‌پرسید. اینکه با پیام‌هایش حال خوبی داشت و به صبح بخیر و احوال‌پرسی من قانع بود، کافی بود تا به این دوستی ادامه دهم.

ولی از جایی به بعد احساس کردم این جواب‌های من او را دوباره وابسته کرده. انگار هنوز از پیام‌های من سیگنال امید برای وصال دریافت می‌کند. من در شرف ازدواج بودم و این دوستی تقریباً یکطرفه داشت خطرناک می‌شد. یک روز دل‌راه به دریا زدم. با حس عذاب وجدان خودم کنار آمدم و فکر کردم که من به این دختر آسپییی ن‌زدم. دوستی و نام‌زدی فلسفه‌اش همین است که بفهمیم به دردم می‌خوریم یا نه.

پس کار گناهی نکرده‌ام.

یک روز وقتی به بهانه کاری تماس گرفت کاملاً جدی و رسمی پاسخش را دادم. مثل همیشه باهوش بود. از همان تماس فهمید همه چیز تمام شده و از آن وقت دو سال می‌گذرد و من حتی اتفاقی او را سر راهم ندید‌ام.

فریبی به نام دوست اجتماعی

احتمالاً متوجه نکته این دو روایت شده‌اید. وقتی رابطه‌ای که با انگیزه ازدواج شروع شده، تمام می‌شود یعنی یک جای کارش می‌لنگد و ایرادی در کار آنست. حتماً طرفین دلیلی برای مناسب نبودن در قالب همسر داشته‌اند. پس دلیلی ندارد وقتی رابطه‌ای تمام شد، با یک عنوان جدید نوع رابطه را عوض کنید و به آن شکل و فرم جدید ببخشید. این دوستی‌های بعد از پایان، فقط یک سراب است که شما را از رسیدن به موقعیت‌های بهتر و جایگزین مناسب‌تر دور می‌کند. اگر فامیل هستیید بعد از پایان رابطه فقط فامیل بماندین و نه بیشتر. اگر رابطه‌ای را تمام کردید به خاطر عذاب وجدان و حس نوعدوستی و ناراحت شدن طرف مقابل، دوباره سراغ او نروید و رابطه‌ای را که نه ندارد دوباره منبهم نکنید. اگر کسی که دوستش دارید، آدم مهم یا موفقی است و به درد شما می‌خورد، شما حق ندارید یا به صلاح‌تان نیست که به اسم دوستی او را در زندگی خود تنگ دارید. این رابطه دیر یا زود به روح زندگی شما آسیب می‌زند. با توجه دوست اجتماعی که این روزها باب شده است، خودتان و دیگران را گول نزنید!

والدانه

۶ نکته زبانشاختی در تربیت دینی کودکان

مامان! خدا خیلی مهربون و قشنگه

سیمین جم
تربیت دینی کودک منوط به ایجاد انس و الفت نسبت به مسائل دینی و برداشتی زیبا از مناسک دینی است.

کودک آنچه را به طور منظم در محیط خانواده می‌بیند، نسبت به آن انس پیدا می‌کند و همین انس اولیه، زمینه را برای پیدایش عادات و انجام فرایض دینی در مراحل بعدی فراهم می‌آورد.

به گفته مرحوم دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد، صاحب‌نظر فقید مسائل تربیتی، اگر والدین می‌خواهند بچه‌هایشان نماز بخوانند، باید خودشان نماز بخوانند و بگذارند بچه‌ها ادای آنها را در بیاورند. در این مورد نباید سختگیری کرد، زیرا انعطاف‌منگکی پیش نمی‌آورد. اگر والدین بخواهند خودشان به این موضوع نظام اجباری بدهند، شما سید در خردسالی مشکلی پیش نیآورد، ولی در سننن بالاتر ایجاد مشکل می‌کند.

توصیه کارشناسان تربیتی این است که پدر و مادر در هر شرایطی محبت و الفت را در رفتارهای خود با فرزندان حفظ کنند. دست‌ور و تحمیل در رابطه با فرزندان کاری از پیش نمی‌سرد. فرزندان به ویژه کودکان تشنه محبت هستند و از مهر و عطفوت می‌توان همه چیز را به آنها موخت.

در آموزش مسائل و فرایض دینی به کودکان، به جای برخورد‌های جبری و معطر‌ترین امکاتی که در تربیت، تشویق بهترین راه است.

به اعتقاد دکتر غلامعلی افروز تربیت آمیز‌های از عشق، هنر و توانایی است و خانواده‌ها برای کسب این عناصر، باید آگاهی‌های لازم را به دست بیاورند. وی می‌گوید: «عصر هنر و زیبایی در تربیت دینی بسیار مهم و اساسی است. پدر و مادر باید طوری رفتار کنند که بهترین و زیباترین لحظه‌های آن وقت تربیتی، ارانه آموزه‌های دینی در دوران خردسالی و کودکی را منوط به رعایت موازین و مراحل دانسته بچه‌ها می‌روند، باید نماز‌خانه‌ها باشد.»

هدیه کردن مجموعه کامل و زیبا از سجاده، جانماز، عطر و انگشتری عقیق و تسمیح، قرآن نفیس با ترجمه خوب در اعیاد مقدس یا در روز تولد بچه‌ها به آنان، گرایش‌های مثبت دینی را در فرزندان ایجاد و تقویت می‌کند. کارشناسان امور تربیتی، ارانه آموزه‌های دینی در دوران خردسالی و کودکی را منوط به رعایت موازین و مراحل دانسته



هدیه کردن مجموعه کامل و زیبا از سجاده، جانماز، عطر و انگشتری عقیق و تسمیح، قرآن نفیس با ترجمه خوب در اعیاد مقدس یا در روز تولد بچه‌ها به آنان، گرایش‌های مثبت دینی را در فرزندان ایجاد و تقویت می‌کند. کارشناسان امور تربیتی، ارانه آموزه‌های دینی در دوران خردسالی و کودکی را منوط به رعایت موازین و مراحل دانسته

به شش نکته زبانشاختی توجه کنند:

پهیز از زیاده‌روی و اجبار؛ زیاده‌روی و ایجاد الزام در انجام امور دینی بر کودک تأثیر منفی دارد. پدر و مادر باید زمینه را برای انجام فرایض دینی به صورت داوطلبانه فراهم و با تشویق موجبات تداوم آن را فراهم کنند.

تدریج در آموزش؛ کودک را باید آرام آرام با مسائل دینی آشنا کرد. از رفتارهای دینی بسیار ساده آغاز کرد و با رشد عقلی فرزند، مسائل پیچیده‌تر را به او موخت

سبک تربیت

آیا کودک شما تشکر و عذرخواهی می‌کند؟



مهم است که رفتار خود را در مسیر رفتاری کودک خود قرار دهید. موضوع دیگری که کودک شما در مورد رفتارهای اولیه می‌آموزد خلق و خوست. شما می‌توانید به عنوان والدین موضوع را مشکل‌تر کرده یا آن را بهبود دهید اما نمی‌توانید خصوصیات درونی را تغییر دهید. وقتی کودک به طور احساس‌سری رشد می‌کند، باید در مورد احساسات دیگر افراد راهنمایی شود تا در مقابل رفتار آنان از خود انعطاف نشان دهد و رفتار و گفتاری غیر اخلاقی از خود بروز ندهد. بگذارید آنها بدانند می‌توانند با کلماتشان احساسات دیگران را جرح‌مدار کنند، بنابراین با این رفتار آنها نسبت به همبازی‌ها و والدین خود بدر رفتاری کرده‌اند و ممکن است دوباره به آن جمع دعوت نشوند. آنها را تشویق کنید تا با دوستانشان خوب و مؤدبانه برخورد کنند و بگویند «خیلی خوش آمدید» هنگام خروج از خانه دوستانشان را که آنها را دعوت کرده‌اند، بگویند: «باز دعوت شما بسیار متشکرم.»

«ببخشید» نیز یکی از کلمات اصلی است که کودک باید بداند چه وقت و کجا از آن استفاده کند. یک معلم زمانی را به یاد می‌آورد که کودکی در واحد آموزشی او ثبت نام شد و به هم‌کلاسی‌های خود گفت: «تکان بخور» بعد از این اتفاق، معلم پرسید: «یا نمی‌توانستی این را مؤدبانه‌تر بگویی؟» کودک برای لحظه‌ای تأمل کرد و گفت: «لطفاً حرکت کنید.» خانم معلم مطالب فکر کرد و گفت: «حالا کمی بهتر شد.» اما چطور است که بگویی «ببخشید» در نتیجه کودک جواب داد: «چرا باید این را بگویم؟» این کودک صادقانه نمی‌دانست چرا باید بگوید «ببخشید» چون آموزش ندیده بود. یادمان باشد با استمرار در رفتار و گفتار درست و مشوقانه ما، کودکان به مرور رفتار و گفتار درست را می‌آموزند و درونی می‌کنند.

در غیر این صورت نوعی بی‌زاری به دلیل عدم درک و فهم مسائل در کودک ایجاد می‌شود.

حضور در مراسم و مناسک مذهبی؛ همراه بردن کودکان به مسجد، هر چند در نماز جماعت شرکت نکنند یا مراسم عزاداری در ماه محرم یا مناسبت‌های مذهبی دیگر از قبیل شرکت در نماز عید فطر و جشن‌های مذهبی که مورد علاقه کودکان است، برای پرورش عواطف دینی کودکان بسیار مفید است.

جذب قبل از آموزش؛ احساس مذهبی یکی از عمیق‌ترین گرایش‌های فطری در انسانان است که اگر زمینه برای شکوفایی آن فراهم باشد، به سرعت رشد می‌کند از این رو پیش از ارانه هر نوع آموزش، باید شرایط جذب کودک را فراهم ساخت. این امر با رفتارهای محبت‌آمیز و استفاده از عناصر زیبا عملی است. پدری که برای بیدار کردن دختر تازه‌بالغ خود برای ادامه نماز صبح دست‌به‌گیسوان او می‌کشد و با نوازش و محبت او را از خواب شیرین صبحگاهی بیدار می‌کند، انجام این تکلیف دینی را با شیرینی محبت پدرانه خویش می‌آمیزد و عبادت را در کام فرزند خود شیرین می‌کند.

ساده‌سازی آموزه‌های دینی؛ درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست. برداشتی که یک کودک از خدا، قیامت، مرگ، معجزه و امثال آن دارد، با آنچه ما از این مفاهیم می‌فهمیم، متفاوت است. باید آموزه‌های دینی را برای کودکان ساده‌سازی و عینی‌سازی کرد و استدلال‌های پیچیده‌تر را به سننن بالاتر واگذار ساخت.

همیشه برای انجام فرایض دینی از خود اشتیاق نشان دهیم. هنگام عبادت آراسته و خوشبو باشیم. از زیباترین قرآن سجاده و تسمیح و از نفیس‌ترین قرآن استفاده کنیم تا کودک ما ببیند که دین چقدر زیبا و دل‌انگیز است. معیار کودک ما «آن چیزی است که می‌بیند»، پس دین را برای او زیبا جلوه دهیم، و آن وقت او مشتاق می‌شود که هنگام نماز کنار ما بایستد و کم‌کم خالق مهربان و زیبایی‌هستی را در تمام وجود و ماهیت خویش جای دهد.